

اشکال ایران هراسی و شیعه هراسی در جهان امروز؛ و راهکارهای فرهنگی مقابله با آن

محمد مسعود صادقی^۱

چکیده:

ضرورت توجه به هنجارها و ادراکات ایجاد شده در چالش ایران هراسی و شیعه هراسی در جهان امروز موضوعی است که در آغاز دهه پنجم از انقلاب اسلامی باید بدان بیشتر پرداخت. ایران هراسی در سطوح منطقه‌ای، شیعه‌هراسی در سطوح فرامنطقه‌ای و اسلام‌هراسی در بعد جهانی پیگیری می‌شود که ابزار، اهداف، شیوه و روش‌های خنثی‌سازی هر کدام از آن‌ها متفاوت است، که در صورت نبود سیاستی منسجم و راهکارهای فرهنگی مقابله با آن می‌تواند چالش‌هایی را برای حفظ بنیان‌های اقتدار ملی منطقه‌ای و همچنین وحدت جهان اسلام بوجود آورد. سؤال اصلی و هدف این مقاله، مطالعه اشکال ایران‌هراسی است که ضمن بررسی زمینه‌های شکل‌گیری شیعه‌هراسی نیز در کشورهای منطقه در پی ارائه راهکارهای فرهنگی مقابله با آن نیز می‌باشد. طبق یافته‌های پژوهش راهکار افزایش مشروعیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تأثیرگذاری بر افکار عمومی و روابط دیپلماتیک با کشورهای جهان، آسیب‌شناسی فعالیت‌های فرهنگی خارج از کشور، توجه به ملاحظات و حساسیت‌های دیگر کشورها در سیاستگذاری‌های فرهنگی، تأکید بر حقوق بشر اسلامی و محکوم کردن اعمال ضد انسانی غرب و معرفی صحیح اسلام به جهانیان، از مهم‌ترین برنامه‌های راهبردی فرهنگی است که باید توسط نهادهای مسئول و اندیشمندان شیعه مورد توجه و جدیت قرارگیرد.

کلید واژگان: ایران هراسی، شیعه هراسی، مقابله فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقدمه

ایران هراسی پدیده‌ای چند بعدی است که در پیوندی عمیق با موضوعات سیاسی و امنیتی قرار گرفته است. با این وجود نمی‌توان با تقلیل آن به این ابعاد از ریشه‌های تاریخی، فرهنگی و حتی سیاسی و بین‌المللی آن غافل شد (زاده علی و میرحسینی، ۱۳۹۶: ۱۵۱). این اصطلاح همچنین بی‌اعتمادی، نفرت، انزجار، حسادت، تبعیض، تعصب، نژادپرستی، کلیشه، ترس یا بیزاری از ایرانیان به عنوان یک گروه نژادی، قومی، زبانی و مذهبی را در برمی‌گیرد. در مجموع، ایران هراسی به عنوان یک سیاست، طی سالیان و ادراکات تولید شده متمادی برای اهداف مختلف به کار گرفته شده است (خواجه سروی و بهرامی، ۱۳۹۳: ۸۹)، ایران هراسی برنامه‌ای راهبردی به منظور برساخت تهدیدی بزرگ از ایران برای منطقه و فراتر از آن تهدیدی بزرگ برای صلح و امنیت جهانی است که با ایجاد هراس در تلاش است با تغییر رفتار بازیگران نظام بین‌الملل در برابر ایران، این کشور را تضعیف، تخریب و به حاشیه راند. این پدیده بیان‌کننده احساس مخالفت یا دشمنی با سیاست‌ها، فرهنگ، جامعه، اقتصاد یا نقش بین‌المللی ایران است. ایران هراسی علاوه بر حوزه کشورهای غربی در حوزه کشورهای عربی منطقه نیز گسترش یافته و با تحرکات سیاسی بسیار در رسانه‌ها و شبکه‌های عربی نیز در حال شکل‌گیری و راهبری است. این طرح بر مبنای بزرگ‌نمایی برخی از واقعیت‌های موجود در منطقه خاورمیانه به انضمام انواع دروغ‌پراکنی و دگرگون‌نمایی شکل گرفته است؛ در این چارچوب چنین القا می‌شود که در صورت قدرت‌یابی جمهوری اسلامی ایران، کشورهای منطقه مجبور خواهند شد هزینه‌هایی کلان را متقبل و باخطراتی جدی مواجه شوند. (شریعتی نیا، ۱۳۸۹: ۱۹۳).

از سویی دیگر در دهه اخیر معظلی به نام اسلام هراسی بطور عام و شیعه هراسی بطور خاص باعث بروز مشکلاتی برای جامعه مسلمانان و سخت‌تر شدن شرایط زندگی برای آن‌ها شده است. در مورد تعریف دقیق اسلام هراسی اتفاق نظر وجود ندارد، اما شاخص‌هایی نظیر «عدم تساهل»، «بیگانه ستیزی» (رولد^۲:۵۳:۲۰۰۴) و «نژاد پرستی» (جانسون^۳:۱۸۲:۱۹۹۸) برای آن ذکر شده است. با هر شکل و تعریفی که به اسلام هراسی نگاه شود، می‌توان گفت که در نتیجه آن، نوعی ترس واهی از مسلمانان میان سیاستمداران و افراد عادی ایجاد شده، مبنی بر اینکه دنیای اسلام (به طور اعم) و مسلمانانِ مقیم کشورهای غربی (به طور اخص) منشأ تهدید و خطر برای مردم، فرهنگ و تمدن غربی محسوب می‌شوند. این ترس نامعقول و واهی از اسلام و مسلمانان، به ناشکیبایی علیه مسلمانان کشورهای غربی دامن می‌زند (درخشه و حسینی‌فائق، ۱۳۹۱:۲۹۷). با توجه به مسائل یاد شده سؤال اصلی و هدف این مقاله، بررسی اشکال ایران هراسی است که ضمن بررسی زمینه‌های شکل‌گیری شیعه‌هراسی در کشورهای منطقه در پی ارائه راهکارهای فرهنگی مقابله با آن می‌باشد.

روش تحقیق:

روش تحقیق استفاده شده در این مقاله توصیفی و تحلیلی است. در ابتدا با روش توصیفی به معرفی ویژگی‌های ایران و اسلام شیعی و اشکال ایران هراسی و شیعه‌هراسی پرداخته شده و سپس با روش تحلیلی راهکارهای فرهنگی مقابله با آن را مورد بررسی قرار داده است.

^۲ Roald, 2004: 53

^۳ Johnson, 1998, 182

پدیده ایران هراسی:

ایران یکی از کهن‌ترین کشورهای جهان است که خود بنیانگذار تمدنی فراگیر می‌باشد، و در تاریخ پر فراز و نشیب خود به ایفای نقش‌های گوناگونی در صحنه نظام بین‌الملل پرداخته است. ایران پیش از ظهور اسلام در قالب پادشاهی پارسیان، شدیداً بر روی عرصه بین‌الملل تأثیرگذار بود، و پس از اسلام یکی از به یک بازیگران جدی تمدنی تبدیل شد. این کشور در سده‌های اخیر هرگز مستعمره نبوده است و در عین حال تأثیر به‌سزایی در بازی قدرت‌های بزرگ مانند انگلستان و روسیه داشت و علیرغم اعمال سیاست‌های استعماری این دو قدرت هرگز تسلیم محض و بی‌چون و چرای آن‌ها نبود. سیاست خارجی ایران در دوران پس از جنگ جهانی دوم همواره از سیاست همکاری با قدرت‌های غربی تا سیاست بی‌طرفی و حتی رویارویی در نوسان بود. سیاست خارجی ایران در دوران جنگ سرد تحت تأثیر شرایط موجود در آن قرار گرفت و به این ترتیب ایران به متحد استراتژیک آمریکا تبدیل شد، واشنگتن امیدوار بود که ایران بتواند جلوی نفوذ اتحاد جماهیر شوروی در خاورمیانه را بگیرد اما این ائتلاف راهبردی دیری نپایید و رژیم وابسته شاه در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹م) توسط مردم ایران در جریان انقلاب اسلامی سرنگون شد و به این ترتیب جمهوری اسلامی بنیان نهاده شد؛ از آن هنگام تاکنون ایران و آمریکا روابط سرد، پر از تنش و خصمانه‌ای را سپری کرده‌اند. (سیمبر، ۱۳۸۹: ۱۱۵) به عقیده چرنس، ایران هراسی به معنای ترس مفرط و غیر عقلانی از ایران به ویژه با بزرگ‌نمایی تهدید ایران هسته‌ای کاربرد دارد (چرنس، ۲۰۱۰: ۲۷). جیمز بیل پدیده

ایران‌هراسی را ناشی از استقلال‌طلبی ایران از آمریکا می‌داند. او می‌گوید آمریکا سعی دارد تا از ظهور هژمون‌های استقلال‌طلب منطقه‌ای جلوگیری کند. همچنین، هرچه رفتار آن‌ها مستقل‌تر باشد آمریکا فشار بیشتری بر آنها اعمال می‌کند. همچنین هرچه جهان بینی هژمونی جهانی (آمریکا) و هژمون منطقه‌ای متفاوت‌تر باشد تنش‌های سیاسی گسترده‌تری میان آن‌ها بوجود می‌آید. بر این اساس، آمریکا از آن رو به ایجاد موج ایران‌هراسی در منطقه و جهان دامن می‌زند که ایران می‌کوشد مستقل از هژمونی جهانی رفتار کرده و جهان بینی آن بسیار متفاوت با ابر قدرت جهانی است (سیمبر، ۱۳۸۹: ۱۵۴). به زعم بسیاری از نخبگان سیاسی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در صدد صدور افکار انقلابی در منطقه برآمده، از جنبش‌های سیاسی اسلام‌گرا حمایت و آنان را علیه حاکمیت‌های مطلقه تحریک کرده و اکنون نیز برای گسترش نفوذ خود در عراق، یمن، بحرین و سوریه می‌کوشد. بنابر اعتقاد این طیف از عرب‌ها دو عامل نخست، تاریخ (امپراتوری عظیم و باشکوه گذشته) و دوم، ناسیونالیسم (پارسی‌گرایی) که با پیروزی انقلاب اسلامی بعد مذهبی (شیعه) هم به عنوان عامل سوم به آن اضافه شد، سه محرک اصلی چنین سیاستی در جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آیند (زاده علی و میرحسینی، ۱۳۹۶: ۱۵۸). در واقع می‌توان گفت در اثر تحول‌ها، اقدام‌ها و تبلیغ‌های منفی، فرهنگ ایران برای کشورهای عربی تهدید محسوب شده است. ایران‌هراسی فرهنگی نزد کشورهای عربی، نتیجه تعامل با این کشورها و معانی بین ذهنی است که در این تعامل ساخته شده است. مردم و حاکمان بیشتر کشورهای خاورمیانه به ویژه مصر، عربستان و اردن در نتیجه‌ی عوامل مختلف

به این تصور رسیده‌اند که کشور ایران هویتی سیاسی و فرهنگی ایدئولوژیک دارد و در صدد است بر مبنای نقش‌هایی که این هویت تعریف می‌کند، اصول، ارزش‌ها، نمادها و هنجارهایی را که نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر آن‌هاست، به ملت‌های آن‌ها منتقل کند. این مسئله باعث شده، بیشتر کشورهای خاورمیانه در مقاطع تاریخی از گسترش روابط فرهنگی بین ملت خود با ایران هراس داشته باشند؛ زیرا ترویج ارزش‌ها و هنجارهای جمهوری اسلامی ایران در منطقه را تهدید علیه دولت‌های خود قلمداد می‌کردند (شکری، کشاورز و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶).

ایران هراسی ایدئولوژیک، پدیده است که نشان دهنده ترس و هراس کشورهای حوزه خلیج فارس از فرهنگ و هویت ایران است. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های بعد ایدئولوژیک در ایران هراسی اعراب به قرار زیر طرح شده است:

تشیع و تسنن: عنصر شیعی یکی از پایه‌های هویت مذهبی و فرهنگی ایران است. نظام جمهوری اسلامی ایران نیز حکومتی شیعی است که با کاربست آموزه‌ای این مکتب، روابط خود را با نظام جهانی تنظیم می‌نماید. در تمایز با عنصر شیعه، عنصر سنی یکی از مؤلفه‌های مهم فرهنگ کشورهای اصلی جهان عرب است. در توصیف اهل سنت، شیعیان یک گروه مذهبی جدایی طلب‌اند که اسلامشان کثر آیین و مشکوک است؛ اغراق و انحراف در احترام و علاقه به اهل بیت، نظریه ولایت فقیه و انتظار فرج از انحرافات است که شیعیان آن‌ها را ایجاد نموده‌اند. دو هویت شیعه و سنی دارای فرایند و تحولات تاریخی متفاوتی هستند. تثبیت معنای متفاوت در این عناصر، پیامدها و پویای سیاسی، امنیتی و اجتماعی متفاوتی را رقم زده است. این تفاوت‌های ریشه‌ای و عمیق با ورود در دستور کار و رفتار سیاست خارجی

کشورها مبنای تنظیم روابط آنها شده است. در نتیجه یکی از دلایل به تصویر کشیدن ایران به عنوان تهدید برای نظم منطقه اختلافات فرقه‌ای بین ایران شیعه و جهان عرب عمدتاً سنی بوده است. سه نمونه مهم از نگاه عرب‌ها که در آن اختلافات فرقه‌ای به صورت عمیقی موجب درگیری بخشی از جهان عرب به رهبری ریاض با تهران شده ناشی از روند تحولات عراق، لبنان و بحرین است (نوروزمن، ۲۰۱۲: ۳). همچنین یکی از دلایل ترس کشورهای عربی از وقوع جنبش اسلامی در مصر این است که حضور عمیق و قدرتمند و پرسابقه تشیع در این سرزمین و به ویژه تجربه موفق حکومت شیعی فاطمیون در این کشور می‌تواند زمینه نفوذ تفکر انقلاب اسلامی ایران را فراهم کند. تأثیر اندیشمندان معاصر شیعه مانند سید جمال الدین اسدآبادی بر ارکان مذهبی و فرهنگی مصر این نگرانی را واقعی‌تر می‌کند. به گفته "فهمی هویدی" ایران هراسی در مصر در دوران مبارک به حدی رسیده بود که برخی بر این گمان بودند که دشمن واقعی ایران است نه رژیم صهیونیستی. فهمی هویدی با اشاره به رواج افسانه‌هایی در دوران مبارک در مصر مبنی بر تهدید امنیت این کشور از سوی ایران و همچنین تلاش برای شیعه کردن مردم مصر گفت: این افسانه‌ها را سازمان‌های امنیتی ساختند، آمریکا نیز با اعلام جنگ و مبارزه با تروریسم آن را پرورش داد و رژیم صهیونیستی به این موضوع دامن زد (پورسعادت، ۱۳۹۱: ۶۷-۷۰).

همچنین از اشکال دیگر ایران‌هراسی می‌توان در مورد ایران هسته‌ای سخن گفت؛ دولت آمریکا با اعمال سیاست‌های ایران‌هراسی، ائتلافی بین غرب، عرب‌ها و

⁵ Nuruzzaman

اسرائیل علیه ایران به وجود آورده است. دولت آمریکا از راهکارهای سخت و نرم در راه بازدارندگی و مهار ایران استفاده کرده است، هدف آمریکا انتقال تسلیحات به متحدان خود در منطقه و نیز ارائه کمک‌های اقتصادی استراتژیک به آنهاست. انتقال تسلیحات به خاورمیانه طی سال‌های ۲۰۰۴ میلادی تاکنون، یعنی سال‌هایی که گفتمان تهدید ایران اوج گرفته و ایران هراسی در منطقه رایج شده است، به میزان سی و هشت درصد نسبت به سال‌های ۲۰۰۳-۱۹۹۳ م. رشد داشته است. در راستای تحقق موازنه سخت، تحرکات نظامی عمدتاً به شکل مانورهای نظامی در منطقه و علیه ایران برگزار شده است. آمریکا وارد جنگ در همسایگی ایران شد که از پیامدهای آن تنگ‌تر شدن حلقه محاصره ایران است. بحث حمله اسرائیل به ایران و تکرار پیوسته این سخن که «گزینه نظامی همچنان روی میز قرار دارد» در همین راستا قابل تفسیر است. تحریم‌ها و محدودیت‌های سیاسی به عنوان شاخصه‌های فشار علیه ایران در حد وسیعی به کار گرفته شده است و ایالات متحده آمریکا و اسرائیل چه بطور مستقیم و چه بوسیله لابی صهیونیستی و اعراب در این زمینه ایفای نقش کرده‌اند. در همین چارچوب آمریکا، اسرائیل و بازیگران دیگری مانند چین، هند و روسیه را به دلیل همکاری استراتژیک با ایران تحت فشار قرار داده‌اند. می‌توان گفت عکس‌العمل تند و همراه با فشار غرب، به ویژه آمریکا علیه ایران تلاشی برای جلوگیری از تسلط ایران بر خاورمیانه و کسب هژمونی در این منطقه دانست. از طرفی دیگر ایران نیز به شدت می‌کوشد تا شکاف قدرت خود با همسایگانش را به حداکثر برساند تا به جایی برسد که در خاورمیانه از ناحیه هیچ دولتی احساس تهدید نکند؛ به عبارت دیگر ایران تلاش دارد تا در مقابل سیاست‌های

غرب از جمله تحریکات آمریکا و اتحادیه اروپا مقاومت کند. آن‌ها می‌ترسند قدرت تأثیرگذاری ایران بر روی همسایگانش افزایش یابد و نهایتاً ایران پر قدرت در صدد برآید تا ایالات متحده آمریکا را از خاورمیانه بیرون کند. براساس این تفکر است که آمریکا شدیداً به بازدارندگی قدرت ایران پرداخته است (سیمبر، ۱۳۸۹: ۱۱۹-۱۱۸). از مجموع آنچه گفته شد، روشن است که می‌توان عوامل متعددی را برای ظهور پدیده ایران هراسی برشمرد. تأمین امنیت رژیم صهیونیستی و تغییر دشمنی مسلمانان از رژیم صهیونیستی به جمهوری اسلامی ایران، سرعت بخشیدن به روند سازش کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی، تشکیل ناتوی عربی، مهار منطقه‌ای ایران، منزوی ساختن ایران در عرصه‌ی بین‌المللی، توجیه حضور نظامی و اشغالگری در منطقه و توجیه فروش تسلیحات به کشورهای عربی برخی از این عوامل به شمار می‌آیند. (زاده علی و میرحسینی، ۱۳۹۶: ۱۵۴).

مهم‌ترین سرفصل‌های ایران هراسی و جنگ روانی غربی‌ها علیه ایران را می‌توان در ۹ محور زیر خلاصه کرد:

- القای دسترسی ایران به سلاح‌های هسته‌ای؛
- حمایت ایران از تروریسم؛
- نقض حقوق بشر در ایران؛
- القای تهاجمی بودن فناوری‌های دفاعی ایران؛
- دخالت جمهوری اسلامی در امور کشورها؛
- حاکم بودن اسلام سیاسی در ایران؛
- القای مخالفت ایران با صلح و ثبات منطقه‌ای؛

- هر انگاره‌ای که موجبات هول و هراس در مخاطب علیه ایران بوجود آورد؛
- معرفی ایران به عنوان محور و کانون شرارت در جهان (پورخوش سعادت، ۱۳۹۱: ۴۴).

پدیده اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی

اسلام‌هراسی، از اصطلاحات تازه‌ای است که به تازگی و به طور خاص در زمینه رابطه اسلام با غرب نسبتاً تداول یافته است. پدیده هراس از اسلام از زمان ظهور دین اسلام سابقه داشته است، اگرچه امروزه، به ویژه در کشورهای غربی، گستره و عمق آن بیشتر شده است. (عیوضی و فلاح حسینی، ۱۳۹۶: ۷۶). اسلام هراسی در خود این مفهوم را به همراه دارد که اسلام فاقد ارزش مشترک با دیگر فرهنگ‌هاست، در مقایسه با فرهنگ غرب در موقعیتی فرو دست قرار دارد و بیشتر یک ایدئولوژی است تا یک دین اسلام هراسی واژه‌ای جدید است البته پیشینه تاریخی دارد و در ادبیات سیاسی - مذهبی معاصر، توصیف کننده، ذهنیت و نشأت گرفته از دیدگاه و مواضع جهان غرب نسبت به اسلام و جوامع اسلامی است. اسلام هراسی پدیده‌ای است که به طور سازمان یافته از سوی بخشی از محافظ تصمیم‌گیری سیاسی - فرهنگی در غرب برای مقابله با اسلام طراحی شده است و با استفاده از ابزار رسانه در اشکال گوناگون و در سطوح مختلف اعمال می‌شود (خانی، ۱۳۸۸: ۴۵-۴۷).

اسلام‌هراسی در یک تعبیر کلی عبارت است از نوعی ترس و نفرت گروهی از اسلام و مسلمین یا خصومت با آن‌ها که در نتیجه آن زندگی و رشد و پیشرفت مسلمانان تحت تاثیر رفتارهای تبعیض آمیز و آزار دهنده آن گروه با مشکل مواجه می‌شود.

تصورات و برداشت‌های ویژه‌ای در مورد اسلام و مسلمانان ترویج می‌شود که در چهارچوب آن‌ها به مسلمانان به مثابه گروهی استثنایی و دارای گرایش به خرافات، جمود فکری، خشونت و ترور و در عین حال، سلطه‌گری نگریسته شده، اما سهم آن در رشد و پیشرفت تمدن بشری نادیده گرفته می‌شود. پدیده اسلام‌هراسی که اساساً در جهان غرب ریشه دوانیده و عمدتاً در آنجا فرصت ظهور پیدا کرده، از عوامل مهم سوء تفاهم و ناسازگاری مسلمانان با غیر مسلمانان بوده است (عیوضی و فلاح حسینی، ۱۳۹۶: ۸۲).

از طرفی دین اسلام استعداد لازم جهانی شدن را دارد و این وعده را به پیروان خود داده است. دین اسلام بر خلاف سایر ادیان، دینی جهانی است و پیامبر آن محمد بن عبدالله (ص)، پیامبر همه جهانیان است، نه پیامبر یک قوم یا منطقه خاص. دین اسلام فقط ادعای جهانی شدن را ندارد؛ بلکه شرایط و قواعد تحقق نظام جهانی، همچون مهدویت در مذهب تشیع از پیش طراحی شده است (مظفری ۱۳۸۶: ۲۱۷). نظام حاکم بر غرب پس از سال‌ها نتیجه‌ای جز تبعیض، نژادپرستی، قتل و کشتار و تجاوز به حقوق انسان‌ها نداشته است و همه این عوامل، این نظام را در معرض سقوط و نابودی قرار داده است. اساساً مکاتب و اندیشه‌های بشری ظرفیت لازم برای جهانی شدن را ندارند، زیرا اندیشه بشری هر چند استحکام یافته، اما نمی‌تواند ساختارهای اجتماعی و فرهنگی متفاوت را دربرگیرد. از این رو، گفته می‌شود تنها ادیان و به ویژه ادیان الهی و ابراهیمی از ظرفیت و توانمندی درونی برای جهانی شدن برخوردار می‌باشند. در میان ادیان ابراهیمی، دین اسلام بنا به ماهیت جامع و فراگیر و با عنایت به ویژگی‌های بشری و انسانی که دارد و عمدتاً انسان را صرف نظر از تعلقات خونی،

زبانی و سرزمینی مورد خطاب قرار می‌دهد، از توانمندی برتری برای جهانی شدن برخوردار است (سجادی، ۱۳۸۳: ۱۱۱-۱۱۰). ساموئل هانتینگتون، نظریه‌پرداز غربی، اظهار می‌کند که سه تمدن در سراسر جهان می‌توانند جایگزین تمدن غرب شوند: تمدن اسلامی، تمدن کنفوسیوس چینی و تمدن ارتدوکسی روسیه. به نظر هانتینگتون، در میان این سه تمدن فقط تمدن اسلام، زمینه و ظرفیت حیات و شکوفایی را دارد. تمدن‌های چین و روسیه قابل مهار شدن هستند؛ ولی تمدن اسلام مهار نشدنی است و بزرگترین خطر برای غرب محسوب می‌شود که باید پیش از شکوفایی نابود شود (ادیب ۱۳۸۸: ۲۸۶). غربی‌ها که معتقد به جهانی شدن لیبرال دموکراسی هستند، از ادعای جهان‌شمولی شیعه واهمه دارند. به همین دلیل، سیاست‌مداران مستکبر به اتکای آرای نظریه‌پردازانی مانند هانتینگتون که از جنگ تمدن‌ها و خطر مسلمانان سخن گفته بود، دست به اقدامات بازدارنده می‌زنند. اسپکتر در سال ۲۰۰۹ میلادی در کتاب ایوانجلیست‌ها و اسرائیل دربارهٔ اعتقادات صهیونیست‌های مسیحی یا همان ایوانجلیست‌ها درباره اسلام می‌نویسد رهبران ایوانجلیست از بی‌اعتمادی گسترده از اسلام سخن می‌گویند و تعدادی از صهیونیست‌های مسیحی هشدار می‌دهند که مسلمانان در حال هدایت یک جنگ مذهبی علیه غرب و خدا هستند. بعد از جریان ۱۱ سپتامبر نیز فالول [یکی از مبلغان ایوانجلیست] پیامبر اسلام، حضرت محمد(ص) را به عنوان تروریست، محکوم می‌کند» (اسپکتر^۶، ۲۰۰۹: ۴۷).

⁶ Spector

پیشینه و ادبیات تحقیق:

در ادامه؛ منابع موجود در زمینه اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

منابع اسلام‌هراسی:

۱- شاید بتوان گفت از جمله تلاش‌های اولیه‌ای که در غرب در این زمینه صورت گرفته؛ مجموعه مطالعات انجام شده توسط ریموند شوارک در بین سال‌های ۱۷۸۵ تا ۱۸۵۰ جولومزهر در سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۸۶۷ می‌باشد و مجموعه تاریخ کمبریج که در برداشت غربی‌ها از جهان اسلام بسیار مؤثر بوده است. در این مجموعه‌ها تلاش برای مطالعه گذرا و شناخت اجمالی از کشورهای اسلامی و ایران است و اساساً به مباحث بهبود روابط میان غرب و جهان سلام نپرداخته است.

۲- از جمله دیگر این تلاش‌ها می‌توان به کوشش ادوارد سعید در کتاب شرق‌شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷، اشاره کرد. وی اولین انتقادهای را بر رویکرد شرق‌شناسی وارد کرده و استدلال می‌کند که طرح و شالوده‌بندی مفهوم بنیادگرایی به عنوان اصطلاحی کلیدی برای تحلیل تضادهای سیاسی، از مکانهائی مانند کارخانه‌های فکری از شهرهایی نظیر واشنگتن و لندن برخاسته است. وی در تلاش است که بیان نماید شرق‌شناسی، در نتیجه گسترش امپریالیسم در درون دنیای اسلام پدید آمد و دقیقاً همزمان با تسلط امپریالیسم بر بخش‌های عظیمی از جهان

اسلام گسترش یافت. از این رو، علی رغم ارایه اطلاعات مفید تلاش کرده است که راه مشکلات میان دو مجموعه‌ی فوق فهمیده شود ولی به راهکارها اشاره ننموده است.

۳- بابی سعید از دیگر نویسندگانی است که در کتاب «هراس بنیادین» در چندین فصل تلاش دارد تحلیل قوی و منطقی از اسلام گرایی در عصر حاضر را ارائه دهد. نویسنده کتاب فوق به بررسی گفتمان اسلام گرایی و بازتاب آن در عرصه جهانی متمرکز می‌گردد. وی درصدد است که بیان نماید ایده اروپامداری به عنوان مدل پایه‌ای توسعه و پیشرفت رو به ضعف است، لذا از این منظر، ظهور اسلام گرایی بر تخریب و فرسایش اروپامداری و غرب مرکزی استوار است. از این رو گسترش اسلام گرایی، هراسی هم و مانعی اساسی در برابر افزون خواهی غرب در عالم است. تلاش بابی سعید در فهم مشکلات قابل تقدیر است. اما او نیز راهکارهای لازم برای برون رفت از آن را مطرح نکرده است.

۴- از دیگر آثار و پژوهش‌های مطرح شده در این زمینه کتاب «وامداری غرب نسبت به شرق به ویژه و ایران» نوشته محمد آراسته‌خو می‌باشد. در این کتاب تلاشی قابل تقدیر در حوزه علم، معرفت و دانایی صورت گرفته است. نویسنده تلاش نمود که دو بخش نسبتاً طولانی این روابط را به مطالعه بنشیند. از آنجایی که نویسنده در حوزه معرفت و دانایی به مطالعه پرداخته است این نتیجه نیز حاصل می‌آید که هراس غرب از اسلام به بنیادهای

معرفتی و غنی اسلام برمی‌گردد. از این رو پیرامون تبیین وضعیت موجود و خروج از آن برنیامده و بدان نپرداخته است.

۵- کتاب «نقش مسلمانان در شکوفایی اروپا»؛ غلامرضا گلی زواره، انتشارات صحیفه خرد، در پاییز ۱۳۸۸ به چاپ دوم رسید. نویسنده در این کتاب ضمن بیان کلیاتی پیرامون وضعیت گوناگون قاره اروپا، به طلوع طلایی و حلقه وصل آن با جهان اسلام می‌پردازد و آن را تشریح کرده است. تلاش کتاب در بین خدمات به جهان غرب از سوی اسلام قابل تقدیر بوده اما در حوزه اسلام‌هراسی و چرایی عکس‌العمل منفی از سوی غرب و راهکارهای برون رفت از آن وارد نشده است.

۶- «تبعیض و ناشکیبایی علیه مسلمانان در اتحادیه اروپا بعد از ۱۱ سپتامبر» کتابی است که توسط علی مرشدی زاد ترجمه گردیده و توسط پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در سال ۱۳۸۸، منتشر شده است، این کتاب به بررسی بیانیه فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر هلسینکی پرداخته و ضمن توصیه‌ها به دولت‌های عضو اتحادیه اروپا نسبت به برخورد با مسلمانان، به بیان موردی چگونگی مواجهه با مسلمانان مثل کشورهای بلژیک، آلمان، فرانسه و... می‌پردازد. این کتاب نیز برای بررسی موردی قابل استفاده است اما راه‌ها و شیوه‌های برون رفت از وضعیت موجود را اشاره نکرده است.

۷- «اسلام ستیزی» نام کتابی است که توسط «انور مسعود» به رشته تحریر درآمده و از سوی پژوهشکده اطلاعات و امنیت در سال ۱۳۸۸ به زیور چاپ آراسته شد. این کتاب ضمن نگاه و بررسی برخی حوادثی که در

مناطق مختلف جهان نسبت به مسلمانان رخ داده است، تلاش خوبی را انجام داده اما خروج از وضعیت فوق را بررسی نکرده است.

منابع ایران هراسی:

۱- «بازتاب جهانی انقلاب اسلامی» نام کتابی است که توسط منوچهر محمدی، در سال ۱۳۸۷ توسط انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در اختیار همگان قرار گرفت. نویسنده در این کتاب سعی می‌کند که ضمن بیان هر یک از ویژگی‌های انقلاب اسلامی به ویژه در عرصه بین‌الملل، بازتاب آن را در عرصه بین‌الملل به بررسی بنشیند و در جغرافیای جهان اسلام این بررسی را انجام می‌دهد. اما این که با همه گستردگی اسلام در مناطق مختلف جهان و نفوذ انقلاب اسلامی، چرا راهبرد ایران هراسی هم چنان در دستور است، پاسخی نمی‌دهد.

۲- ظهور اسلام به زعم بسیاری از نویسندگان و محققین، اسلام هراسی را فراهم آورده است. سیدمحمد علی حسین زاده در کتاب «اسلام سیاسی در ایران» که در سال ۱۳۸۶ توسط دانشگاه مفید به چاپ رسید در تلاش است اسلام سیاسی در ایران را بررسی کرده و از منظرهای مختلف به آن اشاره می‌کند. هم چنین جریان‌های مختلف را در شکل‌گیری اسلام سیاسی بیان می‌کند. اما این که چگونه زمینه‌های اسلام هراسی به وجود آمده و راه‌های برون رفت آن چیست را به خاطر موضوع بحث، مطرح نکرده است.

۳- در عرصه بین‌الملل شکل‌گیری سیاست خارجی دولت‌ها، بسترهای نویی را در روابط جهانی فراهم آورد. کتاب «چارچوب تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» نوشته روح‌ا... رضائی، توسط نشر نی در سال ۱۳۸۳ به چاپ رسید. نویسنده‌ی کتاب در تلاش است که ضمن بررسی سیاست خارجی جوامع در حال نوسازی، به مطالعه سیاسی خارجی ایران پرداخته و زمینه‌های آشتی ایران با دیگر کشورها را تحلیل نماید. مؤلف در بررسی و بیان چرایی شکل‌گیری اسلام‌هراسی تا حدودی ورود پیدا کرده است، اما به شکل توصیفی به تناسب مورد بحث وارد نشده و به راهکارها نیز نپرداخته است.

در مجموع و با توجه به آنچه بیان شد؛ درباره راهکارهای فرهنگی مقابله با ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی در قالب مقاله منابع محدود و اندکی نگارش شده اند که از این حیث مقاله حاضر ضمن نوآوری، کمکی به تقویت ادبیات تولیدشده قبلی می‌نماید.

زمینه‌ها و علل اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی:

در بررسی زمینه‌ها و علل اسلام‌هراسی، باید توجه داشت که اسلام‌هراسی پدیده‌ای پیچیده و چند بُعدی است و با مؤلفه‌های فراوان سیاسی، فرهنگی، روانشناختی، اجتماعی و عقیدتی سر و کار دارد که در هر حوزه جغرافیایی نیز وضعیت خاصی یافته است. در هر حال عواملی مانند مهاجرت و پناهندگی، اقدامات افراط‌گرایان، حوادث تروریستی، جنگ علیه تروریسم، اقدامات و

اظهارات گروه‌های تندرو اسلامی و غیر اسلامی، بحران‌های هویتی در اروپا، سابقه تاریخی منازعات اسلام و غرب، مسائل ایدئولوژیک و ضعف و مشکلات داخلی مسلمانان، فعالیت مغرضانه برخی رسانه‌ها و سیاستمداران و مسائلی از این دست، در شکل‌گیری و گسترش اسلام هراسی به نوعی مؤثر بوده‌اند (درخشه و حسینی فائق، ۱۳۹۱: ۲۷۸)، موج دوم اسلام هراسی را می‌توان بعد از حادثه یازده سپتامبر دانست. به گفته مارسل ماوسن: اسلام هراسی تمام اشکال و انواع متفاوت گفتمانی و زبانی و عملی را در بر می‌گیرد که همگی از یک دسته ایدئولوژیک یکسان نشأت می‌گیرند که همانا یک هراس غیرمنطقی از اسلام است (جاسلین کساری ۲۰۰۶، ۷: ۶). در این میان نقش گروه‌های تندروی موسوم به «اسلام گرایان افراطی» و «اسلام گرایان بنیادی» را نیز نباید از یاد برد. بی‌شک «اسلام سلفی» در خشن جلوه دادن چهره اسلام و مسلمانان در محیط بین الملل نقش فراوانی بازی می‌کنند. (عیوضی و فلاح حسینی، ۱۳۹۶: ۷۶). از جمله داعش که یکی از رادیکال‌ترین گروه‌های اسلام گرا در خاورمیانه است که به لحاظ اعتقادی معتقد به سلفیسم است. این دیدگاه جزو اعتقادات سنی مذهب به شمار می‌رود اما در قالب هیچ یک از چهار فرقه سنی قرار نمی‌گیرد. گفتمان داعش و ایجاد «فقه التکفیر» است و خشونت هسته اصلی این حرکت را تشکیل می‌دهد. هدف اصلی در تفکر سلفی پاکسازی دین از تفکرات شرک‌آمیز است. به زعم سلفی‌ها این تفکرات با گذشت زمان وارد اسلام شده و اسباب تحریف شریعت الهی را فراهم کرده‌اند. لازمه زدودن شرک از پیکر اسلام

⁷ JocelyneCesari

بازگشت به اصل توحید است آن‌گونه که این اصل از سوی رسول خدا و در قرآن کریم مطرح شده است. آن‌ها به خصوص شیعیان را به واسطه آنچه آن را احترام بیش از حد و حصر این قوم به اهل بیت رسول خدا (ص) می‌پندارند مشرک، مرتد، و از دین برگشته می‌دانند (بانزل^۸، ۲۰۱۵: ۸). در واقع داعش حاصل رقابت‌های بلوغ نیافته استراتژیک بین قدرت‌های منطقه‌ای است. به طور کلی مهم‌ترین عوامل زمینه ساز ظهور داعش در منطقه عبارتند از:

۱. رقابت‌های ایدئولوژیکی در منطقه میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی که اگر در دهه‌های گذشته به صورت خاموش دنبال می‌شد، امروز حالت علنی و آشکار به خود گرفته است.
۲. پول سرشار حاصل از فروش نفت که سطح مطالبات و درخواست‌های دولت‌های فعال منطقه را بالا برده و دست آن‌ها را برای صرف هزینه‌های گزاف برای خواسته‌های جاه طلبانه باز گذاشته است.
۳. القای تفکر شیعه هراسی و ایران هراسی بین عربها توسط گروه‌های ذی نفوذ موجب شده است تا رقبای ایران با القای این تفکر احساسات عقیدتی و روانی مردم منطقه را هدف قرار دهند.
۴. نبود فضای گفتگو بین نخبگان در سه سطح حکومتی، دانشگاهی و دینی منطقه به چشم می‌خورد که فضای ذهنی هر سه گروه را به شدت از یکدیگر دور کرده و انباشت‌های ذهنی متخاصم را تقویت کرده است و روزه روز بر رشد آن افزوده است (رنجبر شیرازی و همکاران، ۱۳۹۳، ۲۵-۲۶).

⁸ Bunzel,

ایران از دیدگاه آمریکایی‌ها، رهبر اسلام سیاسی در جهان است و به اعتراف غربی‌ها، بزرگترین کشور شیعه با موقعیت «سوق الجیشی» مهم در غرب آسیا قرار گرفته است که به چند دلیل به عنوان کشور مهم ژئوپلیتیکی در جهان مورد توجه قرار گرفته است:

۱. ذخائر نفتی عظیم ۲. موقعیت استراتژیک در جنوب روسیه؛ ۳. مهمترین کشور اسلامی در حالت تهدید برای اسرائیل؛ ۴. نقش رهبری‌اش در میان کشورهای اسلامی دیگر که ممکن است روزی غرب را با قطع جریان نفت تهدید کند؛ ۵. روشی ناشناخته که در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، باعث پیشرفت‌های زیادش شده است (کشاوری و همکاران، ۱۳۹۶):

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و خارج شدن از بلوک غرب تأثیرات عمیقی بر معادلات منطقه‌ای بر جای گذاشت. از این رو آمریکا همیشه ضمن اظهار ناخوشایندی از این وضعیت به دنبال این بوده تا ایران را تهدیدی بزرگ و جدی برای خود و منطقه بداند. به همین جهت کشورهای منطقه به اتخاذ مواضع ضد ایرانی خود افزوده و اقدام به مقابله با سیاست جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. وجود ناهمگونی قومی، مذهبی در میان کشورهای اسلامی منطقه در درازمدت منجر به بروز اسلام هراسی و تغییر دیدگاه و به وجود آمدن دیدی منفی نسبت به مسلمانان می‌شود امروزه تعارضات فرقه‌ای میان شیعه و سنی به یکی از مهم‌ترین اختلافات سیاسی در خاورمیانه تبدیل شده است. این امر ناشی از توجه نکردن به اخلاقیات به عنوان رکن اساسی و محور روابط بین کشورها است که در نهایت موجب اسلام‌هراسی در منطقه شده و ظرفیت کشورهای جهان اسلام را برای اشاعه و تبلیغ

اسلام با چالش مواجه می‌سازد و این امر در رابطه با کشور ایران به عنوان کشوری شیعه حائز اهمیت است که در صورت اتخاذ نکردن سیاستی مناسب منجر به پدیده شیعه هراسی می‌شود (عیوضی و فلاح حسینی، ۱۳۹۶: ۷۶). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پایه اصول و مبانی بنا شده است که این اصول و مبانی راهنمای رفتار و کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی قرار می‌گیرند این اصول شامل نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، حمایت و دفاع از مسلمانان و جنبش‌های آزادی‌بخش، مداخله نکردن در امور داخلی کشورها و احترام متقابل و... این حمایت‌ها از جنبش‌های آزادی‌بخش به هیچ روی بر بنیاد تهاجم و توسعه طلبی نسبت به کشورهای منطقه قرار نگرفته است، اما دولت‌های منطقه همواره مواضع خصمانه‌ای در قبال ایران اتخاذ کرده‌اند که این مواضع بیشتر به دلیل عدم شناخت و بد فهمی دولت‌های عربی منطقه از اصول و مبانی جمهوری اسلامی ایران از یک سو و ماهیت غیر دموکراتیک و محافظه کار این کشورها از سوی دیگر موجب رویکرد تهاجمی و خصمانه‌ای نسبت به انقلاب اسلامی و سیاست خارجی منبعث از آن شده است (آدمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۴-۱۴۵). در نتیجه می‌توان گفت عوامل بسیاری در ایجاد و گسترش اسلام هراسی در کشورهای اروپایی و ایالات متحده مؤثر بوده‌اند که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- رشد احساسات ضد مهاجرت در بیشتر کشورها.
- ۲- اقدامات تروریستی گروه‌های افراطی نظیر القاعده.
- ۳- خشونت و تبعیض سازمان یافته ضد مسلمانان با حمایت دولت‌ها و احزاب غربی.
- ۴- گسترش ایدئولوژی‌های خیر و شرگونه نظیر نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون.

- ۵- هراس از گسترش ایدئولوژی اسلام سیاسی.
- ۶- مشروعیت بخشی هوشمندانه دولت‌های غربی به دشمنی ضد اسلام و مسلمانان و نادیده گرفتن حقوق مسلمانان.
- ۷- هراس از گسترش اسلام و اسلامی شدن اروپا.
- ۸- ایجاد و گسترش موج رسانه‌ای ضداسلام و مسلمانان (درخشه و حسینی فائق، ۱۳۸۸: ۴۸).

راهبردهای فرهنگی جمهوری اسلامی جهت مقابله با ایران هراسی

یکی از سیاست‌های اتخاذ شده از سوی دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که باعث حساس شدن و نگرانی کشورهای عربی منطقه و به خصوص هم پیمان استراتژیک آن‌ها، ایالات متحده امریکا شده است می‌توان جهت‌گیری نسبت به پدیده بیداری اسلامی و خیزش‌های مردمی منطقه، استکبار ستیزی و مقابله با زیاده روی‌های امریکا در خاورمیانه می‌باشد. امری که حاکی از آن است که ایران به دنبال افزایش نقش و قدرت نسبی خود در منطقه خاورمیانه است و این امر سبب شده است که کشورهای عربی منطقه سیاست خارجی ایران را تهاجمی و توسعه طلبانه بدانند که باعث ایجاد موج ایران هراسی در منطقه شده است در حالی که ریشه‌های افزایش نقش ایران در درجه اول به ویژگی‌های طبیعی ساخت قدرت، سیاست، موقعیت ژئوپلیتیک و جغرافیای فرهنگی ایران برمی‌گردد که در شرایط رخ دادن تغییرات ژئوپلیتیکی در عراق امکان بروز یافته و قبل از هر چیزی سعی دارد چالش‌های امنیتی ناشی از بروز تحولات سیاسی - امنیتی در منطقه را از بین ببرد.

این تحولات عبارتند از: حضور نیروهای نظامی امریکایی در مرزهای فوری ایران و روند تغییر نظم منطقه به شکل نظم جدید سیاسی - امنیتی حاصل از بروز تغییرات جدید ژئوپلتیک. که جمهوری اسلامی ایران از این راه‌ها سعی دارد با چالش‌های امنیتی ابتدا با اتصال امنیت خود به مسائل سیاسی منطقه، تهدیدهای امنیتی امریکا را از بین ببرد و دوم با ایفای نقشی فعال در منطقه، به خصوص در مرزهای فوری از چالش‌های امنیتی ناشی از تغییرات ژئوپلتیک و تحول در ساخت قدرت و سیاست در منطقه، در فضای سیاسی بعد از بحران عراق پیشگیری کند (بزرگر ۱۳۸۸: ۱۱۶-۱۱۵). با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ارزش‌ها و هنجارهایی که با منافع غربی‌ها تعارض داشت مطرح شد و همچنین با وقوع انقلاب اسلامی ایران افق‌های جدیدی به روی شیعیان گشوده شد و شیعیان به عاملی مؤثر در تحولات منطقه‌ای و جهانی تبدیل شدند (کشاورز و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰). یکی از مهم‌ترین عوامل نگرانی غرب از انقلاب اسلامی پیوند معنوی شیعیان جهان و مطرح شدن اسلام سیاسی در میان شیعیان است. سیاسی شدن شیعیان در شرایطی که اکثر آنان در منطقه‌ی حساس و ژئوپلتیکی ساکن هستند و می‌توانند در سیاست‌های منطقه و جهان تأثیرگذار باشند، هراس غرب و دولت‌های عربی را برانگیخته است (همان: ۱۴). شیعیان دارای مفاهیم عمیق فرهنگی هستند که در همه زمان‌ها به هدایت جمعیت‌های شیعه پرداخته و یکی از عوامل مهم در پیروزی انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شوند. در این زمینه سلیمان دمیرسی به نقش تعیین کننده مفاهیم شیعه در پیروزی انقلاب اسلامی اشاره می‌کند و می‌گوید: «اسلام شیعه یک نقش قاطع در این رویداد تاریخی ایفا کرد. با استفاده از روزهای عزاداری مربوط به عاشورا، اسطوره امام حسین (کربلا) و مراسم-

های مربوط به این باورهای بنیادی شیعه، آیت الله خمینی قادر بود با فراهم ساختن یک کانال ارتباطی مؤثر بین معترضان و رهبران انقلاب ایران، اعتراضات مردم ایران را به بحران‌های انقلابی انتقال دهد. در همان زمان [امام] خمینی قادر بود یک مکانیسم برای بسیج سیاسی توده‌ها علیه رژیم شاه فراهم کند (دمی-ریکی، ۹، ۲۰۱۳: ۴۷). یکی دیگر از نویسندگان غربی می‌گوید: «حرکت دسته جمعی عاشورا، به طور ویژه، یک الگو برای بیان عمومی اتحاد جمعی و احساس اخلاقی ساخت که در انقلاب قابل توجه بود و درک مشترک در میان همه انواع باورهای شیعه درباره امامان را تقویت کرد. (آکسورثی، ۲۰۱۶: ۲۴).

در دوران حاضر تلقی منفی و تصویر ذهنی تاریکی که جهانیان از کشور ایران کسب کرده‌اند، در سایه تبلیغات منفی و ایران هراسی و شیعه هراسی توسط نظام جهانی سلطه بالاخص آمریکا و همچنین عربستان به عنوان رقیب دیرینه ایران در منطقه خاورمیانه بوجود آمده است. برون رفت کشور از این چالش دیپلماتیک، تنها در سایه دیپلماسی فرهنگی قابل تغییر و اصلاح است. در کنار به کارگیری مجاری و راه‌های دیپلماسی رسمی، باید به بزرگراه دیپلماسی فرهنگی توجه ویژه کرد و با برنامه‌ریزی حساب شده در حوزه‌های آموزشی، هنری و فرهنگی به ترویج ارزش‌های مطلوب کشور اقدام کرد. تنها با ابزارهایی از جنس فرهنگ می‌توان در عمق باورها و اعتقادات ملت‌ها رسوخ کرد و ائتلاف‌ها و اتحادهایی پایدار را در نظام بین‌الملل بنیان نهاد. از این دیدگاه، به کارگیری دیپلماسی فرهنگی را نه تنها برای دستیابی به اهداف فرهنگی بلکه برای نیل به اهدافی با ماهیت سیاسی، امنیتی، و حتی نظامی نیز می‌توان

⁹ Demirci

¹⁰ Axworthy

تجویز کرد. (موسوی صمدی، ۱۳۹۴: ۲۴) از این رو دستگاه سیاست خارجی و دیپلماسی ج.ا. ایران برای آگاه ساختن جهانیان باید عناصر، ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی ایران را گسترش داده و ژرفا بخشد؛ زیرا دیپلماسی فرهنگی می‌تواند به مردمان جهان کمک کند تا فرهنگ و تمدن و ارزش‌های ایران را به درستی بشناسند. گسترش فرهنگی فرآیندی است که در آن دیگر جوامع و فرهنگ‌ها، عناصر و ویژگی‌های فرهنگ ایران را جذب می‌کنند. این فرایند در ملت‌هایی رخ می‌دهد که فرهنگی نزدیک و متجانس با ایران دارند.

روش‌ها و مکانیسم‌هایی را که بتوان در پرتو آن‌ها از فرهنگ و قابلیت‌های فرهنگی در خدمت دیپلماسی بهره برداری کرد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. جستجو برای یافتن ابزار و روش‌های اعمال دیپلماسی فرهنگی، ما را به فرهنگ و سنن ملت‌ها باز می‌گرداند زیربنای سیاست فرهنگی، مفاهیم و تعهداتی است که ملت‌ها برای خویشتن در مقابل جهان قائل شده‌اند. کامیابی و موفقیت در سیاست خارجی بطورعام و در حوزه تغییر چهره و تصویر یک کشور در جوامع دیگر بطور خاص، در گرو استفاده درست از ساز و کارها و ابزارهای فرهنگی در چارچوب دیپلماسی، فرهنگی است. (خانی، ۱۳۸۶: ۲۲۹)

بر اساس نظریه سازه‌انگاری، ماهیت، هویت و فرهنگ، امری برساخته در فرایند مشارکت در معانی جمعی و اجتماعی است. در این چارچوب، هویت و فرهنگ به عنوان بازیگر عرصه‌ی بین‌المللی، تصوره‌های خود از دیگران و اهداف خود را مشخص می‌کند و به کنش می‌پردازد و در مورد دیگران ساختار ذهنی را شکل می‌دهد؛ یعنی بازیگران براساس تعامل با یکدیگر و معانی بین ذهنی که بین آن‌ها رد

و بدل می‌شود، از یکدیگر هویت‌های خاص و ویژه‌ای در ذهن خود خلق می‌کنند. (عسگری، ۱۳۸۴: ۳۴)

معرفی صحیح اسلام به جهانیان: یکی از مهم‌ترین برنامه‌های راهبردی که باید توسط نهادهای مسئول و اندیشمندان شیعه مورد توجه و جدیت قرارگیرد، آگاه نمودن مردم جهان در باره اهداف و مبانی دین اسلام، اهداف انقلاب اسلامی ایران و همچنین تشریح علل تضاد آن با تفکرات غرب است. غرب شناسی و آشنایی با تفکرات اومانیستی و شناخت همه ابعاد علمی، تکنولوژی، ساختارهای مدرن، رفاه و سایر مناسبات می‌تواند ماهیت حقیقی غرب را برای جهانیان روشن کند، از ضروریاتی است که باید مورد توجه قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران با استفاده از امکانات رسانه‌ای و اعزام مبلغ به نقاط مختلف جهان می‌تواند اسلام حقیقی رابه جهانیان معرفی کند. (کشاورز و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸) قابل توجه است که در معرفی اسلام به جهانیان از مدرن‌ترین ابزار و روش‌ها استفاده نمود تا بیشترین تأثیرگذاری را داشته باشد. زیرا کشورهایی که درصددند به ایران‌هراسی دامن بزنند مجهز به مدرن‌ترین ابزار و روش‌ها هستند.

تأکید بر حقوق بشر اسلامی و محکوم کردن اعمال ضد انسانی غرب: قبل از اینکه غربی‌ها ادعای حقوق بشر نمایند، در قرآن به وضوح درباره آن سخن گفته شده است. دین اسلام حقوق بشر را ناشی از ارزش ذاتی و کرامت انسانی می‌داند و همه انسان‌ها را با تیره‌ها و نژادها، زبان‌های مختلف یکسان می‌داند و تفاوت بین انسان‌ها را میزان تقوا و عمل صالح آن‌ها می‌داند. در نتیجه نظام اسلامی ایران باید با مطرح

کردن مبانی حقوق بشر اسلامی، اعمال جنایت کارانه غرب را در برخورد با انسان‌ها، هر چه بیشتر افشا نموده و آنان را نزد افکار عمومی رسوا نمایند. (همان ص ۱۹)

حضور فعال ایران در منطقه و ایجاد وحدت میان جهان اسلام: در فضای روابط فرهنگی بین المللی و حوزه دیپلماسی فرهنگی هر کشور بدنبال آن است که تصویر خود را در میان مردم دیگر جوامع مثبت و سازنده نشان دهد، اصولاً در میان کشورهای اسلامی به دلیل وجود ساختارهای سیاسی متفاوت، ناسازگاری وجود دارد. غالب نظام‌های سیاسی و به ویژه نظام‌های سلطنتی استبدادی که قدرت در دست پادشاه و خاندان او متمرکز است، مخالف واگذاری بخشی از قدرت خود به یک مرکز فراملی اند و به محدود شدن قدرت خود راضی نمی‌شوند، تنوع نظام‌های سیاسی در جهان اسلام و ماهیت ناسازگار برخی از آن‌ها با یکدیگر، نوعاً مانع از یکپارچگی و همبستگی میان کشورهای اسلامی می‌شود و این موضوع انطباق منافع، اهداف و جهت‌گیری‌های مختلف منطقه را دشوار می‌سازد. (ولایتی و سعیدمحمدی، ۱۳۸۹: ۱۷۱)

دولت جمهوری اسلامی ایران باید بتواند در روابط دیپلماتیک خود با کشورهای منطقه بر موضوع وحدت میان جهان اسلام تأکید کند و برای مقابله با ناآگاهی مردم کشورهای حوزه خلیج فارس، سازمان‌های غیر دولتی موجود در منطقه، زمینه ایجاد گفت و گوی صمیمانه میان جوامع مذکور را فراهم کنند تا به این وسیله مردم این جوامع را از اهداف دشمنان اسلام آگاه نمایند. (مومنی، ۱۳۸۶: ۴۷).

بهره‌برداری مؤثر از رسانه در سطح ملی و فراملی: مهم‌ترین وسیله برای مقابله با حرکت سازمان یافته غرب، استفاده از رسانه‌های مختلف در سطح ملی و فراملی است. رسانه‌ها در سطح ملی می‌توانند افکار عمومی جامعه را زنده نگه دارند و در

حوزه فراملی نیز رسانه‌ها می‌توانند با تأکید بر وحدت میان جهان اسلام و افشای حرکت غربی‌ها نمایند و با پخش برنامه‌های روشنگرانه، افکار عمومی جهان را با حقیقت اسلام آشنا نمایند. (کشاوری و همکاران ۱۳۹۶: ۲۰).

همچنین توجه به ملاحظات و حساسیت‌های دیگر کشورها در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، ایجاد همگرایی و تعامل فرهنگی، آسیب‌شناسی فعالیت‌های فرهنگی خارج کشور (صدا و سیما، مراکز اسلامی در لندن، هامبورگ، وین، واشنگتن، نیویورک، جامعه المصطفی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مجمع تقریب مذاهب اسلامی، معاونت سینمایی و هنری وزارت و ارشاد اسلامی)، تدوین راهبرد، اهداف و رویکردهای فرهنگی - هنری معرفی اسلام رحمانی به غرب، ایجاد تصویری مطلوب از هویت ایران و ایرانی در اذهان مردم کشورهای خاورمیانه؛ تغییر نگرش منفی مردم کشورهای خاورمیانه نسبت به فرهنگ و تمدن ایران، به کارگیری نیروهایی که شناخت کافی نسبت به اسلام و غرب دارند، برگزاری سمینارهای علمی و نمایشگاه‌ها و برنامه‌های هنری ماهیانه در شهرهای اصلی غرب نظیر، لندن، واشنگتن، پاریس، نیویورک، برلین، رم، مادرید، برگزاری تورهای ایرانگردی برای تجار، اساتید، دانشجویان، روزنامه‌نگاران، نویسندگان و دیپلمات‌های جهان غرب، تولید فیلم‌های سینمایی و انیمیشن برای مخاطب غربی و همچنین غربی جهت معرفی فرهنگ و تمدن و ارزش‌های متعالی اسلامی، از جمله راه کارهای کاهش موج اسلام هراسی در غرب و تصحیح تصور نادرست غربی‌ها درباره اسلام است که می‌تواند ایران را یاری رساند.

همچنین گفتگو میان مسلمانان و غربی‌ها که از طریق روش‌های زیر ممکن است:

- الف. تشویق اساتید دانشگاهی جهت نگارش آثار مشترک با نویسندگان غربی.
- ب. برگزاری همایش‌های بین‌المللی جهت شناسایی و جذب اساتید برای همکاری در راستای مقابله با اسلام‌هراسی
- ج. ارتباط با نخبگان غربی و ارائه تصاویر صحیح از اسلام به آنان.
- د. ارائه امکانات لازم جهت بهره‌گرفتن از پتانسیل دانشجویان مسلمان و به ویژه ایرانی جهت معرفی اسلام ناب به دانشجویان دانشگاه‌های سراسر جهان.
- (اشرف‌نظری، ۱۳۹۵: ۱۳۷)

نتیجه‌گیری:

پیروزی انقلاب اسلامی، علاوه بر شکوفا کردن گفتمان اسلامی و رشد شاخص‌های مردم‌سالاری، به بازیابی عزت و جلال شیعیان و تقویت هویت جمعی آنان انجامید و به چشم‌انداز روشنی در مسیر ایشان برای یافتن جایگاهی اثربخش و شایسته در کشورهای متبوع خود تبدیل شد. اثر تحقق انقلاب اسلامی در ایران به حدی بود که به عقیده بسیاری از تحلیلگران، این انقلاب فقط متعلق به ایرانیان باقی نماند، و جنبش‌ها و قیام‌های به راه افتاده در بسیاری از کشورهای دیگر تحت‌تأثیر مستقیم این رویداد دوران‌ساز بود. ایران‌هراسی به عنوان یک سیاست طی سالیان متمادی برای اهداف مختلف بکار گرفته شده است. یکی از این سیاست‌ها به منظور فروش تسلیحات نظامی به کشورهای خاص صورت پذیرفته است. (بطور خاص کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس) و دیگری به منظور بد معرفی کردن ایران با عناوین مختلفی مانند یک کشور بی‌فرهنگ، محور شرارت، بزرگترین حامی تروریست در جهان، کشوری که نفرت را در دنیا اشاعه می‌دهد، بزرگترین تهدید برای همسایگان، تهدیدی برای صلح جهانی، اتهام به ایران برای طراحی توطئه به منظور نسل‌کشی

یهودیان در آینده، و موارد مشابه دیگر عنوان می‌شود با اینکه ایران هراسی و شیعه‌هراسی ترفندی تبلیغاتی در کشورهای خاورمیانه و چالشی مهم برای کارآمدی دیپلماسی ایران در این منطقه به شمار می‌آید، بهترین راه مقابله با این ترفندها، استفاده هوشمندانه از دیپلماسی فرهنگی است. با گسترش موج جدیدی از جنبش‌های اسلامی با وجود ظهور گروه‌های تروریسم همچون القاعده و داعش که با هدف متوقف ساختن حرکت‌های اسلامی و بد نام کردن چهره درخشان اسلام صورت گرفته است مهم‌ترین فرصت نظام جمهوری اسلامی در تحولات منطقه، مدیریت و کنترل این تحولات با ابزار و قدرت نرم فرهنگ در همه جنبه‌های آن است و همچنان مهم‌ترین تهدید پیش رو نیز از همین ناحیه خواهد بود.

به‌طور کلی راهبرد مقابله فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان تلاش برای برقراری و سپس افزایش، ارتقا و گسترش معاملات، مبادلات و ارتباطات فرهنگی میان ملت ایران و دیگر ملت‌ها، به‌منظور طراحی، تدوین و اجرای موافقت‌نامه‌ها و دستیابی به تفاهم فرهنگی مبتنی بر ارزش‌ها و فهم مشترک در معرفی و گسترش مؤلفه‌ها، عناصر و ارزش‌های اسلامی و شیعی و گفتمان انقلاب اسلامی دانست. طبق یافته‌های پژوهش؛ راهکار افزایش مشروعیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تأثیرگذاری بر افکار عمومی و توسعه روابط دیپلماتیک با کشورهای جهان، آسیب شناسی فعالیت‌های فرهنگی خارج کشور، توجه به ملاحظات و حساسیت‌های دیگر کشورها در سیاستگذاری‌های فرهنگی، تأکید بر حقوق بشر اسلامی و محکوم کردن اعمال ضد انسانی غرب و معرفی صحیح اسلام به جهانیان، از مهم‌ترین برنامه‌های راهبردی است که باید توسط نهادهای مسئول و اندیشمندان شیعه مورد توجه و جدیت قرار گیرد.

منابع

۱. آدمی، علی؛ حبیبی، سیدمهدی؛ بخشی‌تلیابی، رامین (۱۳۹۱) انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و پروژه ایران هراسی دولت‌های عربی منطقه، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۲، ۱۴۴-۱۴۵
۲. ادیب، مصطفی، ۱۳۸۸. تفکر شیعی و پدیده جهانی شدن، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۳. اشرف نظری، علی (۱۳۹۵) فرایندهای هویتی در غرب و بازنمایی سیاستگذاری مبتنی بر هراس: درک زمینه‌های اسلام هراسی، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاستگذاری عمومی، دوره ۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵، صص ۱۴۰-۱۱۹
۴. برزگر، کیهان (۱۳۸۸). سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تدافعی و تهاجمی، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۱۵-۱۱۶
۵. پورسعادت، محمد (۱۳۹۱). کاربست ایران هراسی در مهندسی افکار عمومی مردم مصر، مجله ۱۵ خرداد، سال دهم، شماره ۳۳، پاییز.
۶. خانی، محمدحسن (۱۳۸۸) اسلام هراسی در رسانه‌های غربی، فصلنامه رسانه، سال بیستم شماره ۳، ۴۵-۴۷
۷. خانی، محمد حسن (۱۳۸۶) نقش فرهنگ و ابزارهای فرهنگی در طراحی و پیشبرد دیپلماسی؛ با تاکید بر سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا، مجموعه مقالات همایش ارتباطات بین فرهنگی و سیاست خارجی: رویکرد ایرانی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
۸. درخشه، جلال، حسینی‌فائق، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۱) ابعاد اسلام هراسی در بریتانیا پس از یازده سپتامبر، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸، صص ۲۹۸-۲۷۵
۹. درخشه جلال، حسینی‌فائق، سیدمحمد مهدی (۱۳۸۸). اسلام هراسی در رسانه‌های غربی؛ مطالعه موردی رسانه‌های بریتانیا، فصلنامه علمی ترویجی وسایل ارتباط جمعی، سال بیستم، شماره ۳، شماره پیاپی ۷۹، صص ۴۵-۵۷
۱۰. زاد علی، مهدی، میرحسینی، فرشته (۱۳۹۶)، ریشه‌های ایران هراسی از نگاه افکار عمومی و جهان، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی و یکم، شماره ۲، صص ۱۸۲-۱۵۱
۱۱. سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۳) درآمدی بر اسلام و جهانی شدن، چاپ اول. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۲. شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۸۹) ایران هراسی: دلایل و پیامدها، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره ششم.
۱۳. خواجه سروی، غلامرضا بهرامی، سمیه (۱۳۹۳) تحلیل روابط ایران و عراق بر اساس گفت‌وگوهای ایران هراسی، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۳، زمستان.

۱۴. عسگری، محمود (۱۳۸۴) ویژگی‌ها و کارکرد قدرت نرم، ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال سوم، شماره ۳۴
۱۵. عیوضی، محمدرحیم، فلاح‌حسینی، مهسا (۱۳۹۶) اسلام هراسی و سناریوهای پیش روی آن، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۹۲-۷۵
۱۶. کشاورزشکری، عباس، بیات، محسن، بخشنده، خاطره (۱۳۹۲). دیپلماسی فرهنگی ایران در خاورمیانه؛ تحول ارتباطات و لزوم کاربرد ابزارهای نوین، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره ۲۳، صص ۷-۲۹
۱۷. مومنی، میرقاسم (۱۳۸۶) خاورمیانه، ویژه خلیج فارس، تهران: ابرار معاصر ایران.
۱۸. مظفری، آیت (۱۳۸۶). شیعه و جهان فردا. قم: زمزم هدایت.
۱۹. موسوی‌صمدی، سیداحمد (۱۳۹۴)، دیپلماسی فرهنگی عرصه رویارویی جهان آینده، فصلنامه فرهنگ و ارتباطات، سال پنجم، شماره هشت و نه، بهار تا زمستان ۱۳۹۲، صص ۲۸-۷
۲۰. ولایتی، علی اکبر، سعیدمحمدی، رضا (۱۳۸۹) تحلیل تجارب همگرایی در جهان اسلام، دانش سیاسی، سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۵۱-۱۷۶.

21. Axworthy, Michel (2016). *Revolutionary Iran, a History of The Islamic Republic*. London: Oxford University Press
22. Bunzel, Cole (2015) *From Paper State to Caliphate: The Ideology of the Islamic State*, The Brookings Project on U.S. Relation with the Islamic World, No. 19.
23. Chernus, Ira. (2010) *Iranophobia: The Panic of Hegemons*, Tikhun, Vol.15, Issue 6, November/December.
24. Demirci, Suleyman (2013). "The Iranian Revolution and Shia Islam: The Role of Islam in the Iranian Revolution". *International Journal of History*. Vol. 5. Issue 3. Pp. 37- 48.
25. Johnson, M. R. D. Soydan, H. Williams, 1998, *Social Work and Minorities: European Perspectives*, London, New York, Routledge
26. JocelyneCesari, (2006) *Muslims In Western Europe After 9/11: Why the term Islamophobia is more a predicament than an Explanation*.
27. Roald, Anne Sofie, 2004, *New Muslims in the European context-The Experience of Scandinavian Converts*, Leiden: Brill
28. Spector, Stephan (2009). *Evangelicals and Israel*. New York: Oxford University Press.